

به نام خداوند جان و خرد

# اعلامیه سرمایه‌داری

چگونه معمار آینده باشیم، نه قربانی آن

نویسنده:

رابرت کیوساکی

مترجم:

ابوالفضل طاهریان ریزی



سرشناسه: کیوساکی، رابرت تی. ۱۹۴۷ - م.  
Kiyosaki, Robert  
عنوان و نام پدیدآور: اعلامیه سرمایه‌داری: چگونه معمار آینده باشیم، نه قربانی آن/ نویسنده رابرت کیوساکی؛  
مترجم ابوالفضل طاهریان ریزی.  
مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۶۶۸ ص:؛ مصور. ۲۱×۱۴ س.م.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۲۹۵-۶  
وضعیت فهرست نویسی: فیا  
یادداشت: عنوان اصلی: Capitalist manifesto  
موضوع: سرمایه‌داری  
موضوع: Capitalism  
موضوع: کمونیسم  
موضوع: Communism  
شناسه افزوده: طاهریان ریزی، ابوالفضل، ۱۳۵۲- مترجم  
رده‌بندی کنگره: HB ۵۰۱  
رده‌بندی دیویی: ۳۳۰/۱۲۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۴۹۲۶۰



## «اعلامیه سرمایه‌داری»

- نویسنده: رابرت کیوساکی • مترجم: ابوالفضل طاهریان ریزی
  - ناشر: انتشارات طاهریان • نوبت چاپ: اول • سال چاپ: ۱۴۰۲ • تیراژ: ۵۰ جلد
  - قیمت: ۵۰۰/۰۰۰ تومان • چاپ و صحافی: ماهریس
  - شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۲۹۵-۶ • شابک الکترونیک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۲۹۶-۳
- آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱  
تلفن: ۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۴۹۲۷۳۳ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲ [www.Taherianpress.com](http://www.Taherianpress.com)
- با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره ۱۰۰۷۰۸۷ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

## فهرست

### بخش ۱: تصویر بزرگ سرمایه‌داری در مقابل کمونیسم

- فصل ۱: به ما هشدار داده شده..... ۴۱
- فصل ۲: یک آموزش متفاوت..... ۵۵
- فصل ۳: معلمان بزرگ-معلمان واقعی..... ۹۱
- فصل ۴: چه کسی بیشتر مردم را کشت..... ۱۱۱
- فصل ۵: همه قهرمانان ما کجا رفته‌اند؟..... ۱۴۱
- فصل ۶: اشراف فقیر آمریکا..... ۱۶۷
- فصل ۷: من فقط یک پسر کوچک هستم، چه می‌توانم بکنم؟..... ۲۱۱
- فصل ۸: دفاع شخصی..... ۲۵۳
- فصل ۹: بازگشت بی‌نهایت..... ۲۷۳
- فصل ۱۰: معماران آینده..... ۳۰۷
- فصل ۱۱: میلیون‌ها راه به بهشت..... ۳۲۷
- فصل ۱۲: عملگرایی در مقابل حرافی..... ۳۶۷

فصل ۱۳: آموزش سرمایه‌داری در خانه.....۳۹۱

### بخش ۲: تیم‌ها و مثلث B-I

فصل ۱۴: مهم‌ترین دارایی یک کارآفرین.....۴۷۳

### بخش ۳: آزادی در مقابل قدرت

فصل ۱۵: آمریکا بیدار شد.....۵۲۷

فصل ۱۶: بالا بروید.....۵۷۵

فصل ۱۷: فدرال رزرو باشید.....۶۰۳

فصل ۱۸: پست مدرنیسم در مقابل خرد باستانی.....۶۰۹

### بخش ۴: آینده پول و کمونیسم

فصل ۱۹: فردا تو می‌آیی!.....۶۲۷

فصل ۲۰: اورژانس از طریق اورژانس.....۶۴۷

فصل ۲۱: آماده شدن برای آینده.....۶۶۱

این کتاب به آزادی‌های ما...  
به ویژه آزادی حقیقت اختصاص دارد

به ما هشدار داده شد...

«شما آمریکایی‌ها خیلی ساده لوح هستید. درسته، شما کاملاً کمونیسم را نمی‌پذیرید، اما ما به شما مقدار کمی از سوسیالیسم را می‌خوریم تا زمانی که در نهایت از خواب بیدار شوید و متوجه شوید که یک کمونیسم شدید. ما مجبور نیستیم با شما بجنگیم ما آنقدر اقتصاد شما را تضعیف خواهیم کرد تا (زمانی که) مانند میوه‌های رسیده به دست ما بیفتید.»

نیکیتا خروشچف

۲۹ سپتامبر ۱۹۵۹

نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۵۸ - ۱۹۶۴)

... و ادموند برک، سیاستمدار، اقتصاددان و فیلسوف ایرلندی که از

۱۷۲۹ تا ۱۷۹۷ زندگی می‌کرد، هشدار داد:

«تنها چیزی که برای پیروزی شر(شیطان) لازم است این است که

انسانهای خوب کاری انجام ندهند.»

## پیامی از رابرت

قبل از شروع خواندن این کتاب سه چیز وجود دارد که می‌خواهم بگویم...

### اول: با تکرار است که ما یاد می‌گیریم.

چندین نقل قول و پیام را خواهید دید که چندین بار در سراسر این کتاب تکرار شده است. روشی برای آنچه ممکن است به عنوان جنون تلقی شود وجود دارد... و در هر موردی این تکرار عمدی است و نکات کلیدی را به خوانندگان گوشزد می‌کند تا نقاط بین گذشته و حال و حال و آینده را به هم متصل کنند.

### دوم: پیام‌ها مهمتر از پیام رسان‌ها هستند.

ویراستاران و بررسی‌کنندگان حقایق من به من می‌گویند که من آنها را دیوانه می‌کنم وقتی نوبت به انتساب چندین نقل قولی که در کتاب خواهید یافت می‌رسد. در برخی موارد، مشخص نیست چه کسی واقعاً چه چیزی گفته است (یا اولین کسی است که گفته است) و من می‌خواهم روشن کنم که صاحبان گفته‌ها، (چه شخصیت‌های تاریخی معتبر، رهبران سیاسی، اقتصاددانان یا رهبران فکری) - کم اهمیت هستند. مهمتر خود پیام‌ها هستند، لطفاً بدانید که ما از این موضوع آگاه هستیم و به نقل قول‌ها (پیام‌ها) اجازه می‌دهیم خودشان صحبت کنند.

**در نهایت: بازی‌ها ابزار آموزشی قدرتمندی هستند.**

ارجاعات زیادی به «بازی گردش مالی» را در این کتاب خواهید دید. لطفاً بدانید که این مراجع کمتر «پیام‌های تجاری» هستند بلکه تاکید و گواهی بر قدرت بازی‌ها (به عنوان ابزارهای کارآمد آموزشی و یادگیری) هستند. پدرپولسدار به من و پسرش در مورد پول و سرمایه‌گذاری با استفاده از بازی مونوپولی و بازی‌های «بازی گردش مالی» یاد داد که این درس‌ها را از طریق بازی، بصورت سرگرم‌کننده و جذاب شما را به سطح بالاتری می‌برد. «بازی گردش مالی» که در سال ۱۹۹۶ توسط ما ابداع شد، به ۱۶ زبان ترجمه شده و در هزاران باشگاه «بازی گردش مالی» در سراسر جهان بازی می‌شود. کتاب پدر پولسدار پدر بی‌پول، منتشر شده در سال ۱۹۹۷ و امروزه، کتاب فوق در ژانر مالی شخصی و در واقع به عنوان یک پیش‌نیازی برای بازی «بازی گردش مالی» درآمده است...

«رابرت کیوساکی»

## چگونه از خود محافظت کنیم

### وقتی کمونیست‌ها حمله می‌کنند

جورج واشنگتن، پدر بنیانگذار ایالات متحده آمریکا و اولین رئیس‌جمهور کشور که از سال ۱۷۳۲ تا ۱۷۹۹ زندگی می‌کرد، هشدار داد: «اگر آزادی بیان سلب شود (مطیع و سربراه)، ممکن است مانند گوسفند به سلاخی کشیده شویم.»

من اغلب وقتی به تاریخ کشور نگاه می‌کنم، به تلفات عظیمی که متحمل شده ایم فکر می‌کنم و از خود می‌پرسم: «چه کسی بیشترین افراد را در دنیا کشته است؟»

س: ژنرال جورج واشنگتن آمریکا را در پیروزی بر انگلستان در جنگ استقلال، رهبری کرد، رهبران ما باید چند نفر را می‌کشتند تا ایالات متحده آمریکا تأسیس شود؟  
ج: لازم به کشتار نبود.

س: سوسیالیست‌ها چند نفر را کشته‌اند؟

ج: پس از آنکه سوسیالیست‌ها کنترل کشورهای خود را به دست گرفتند، تاریخ به ما یادآوری می‌کند که رهبران آنها، مارکس، استالین، لنین، هیتلر، مائو و دیگران مجبور بودند که حداقل ۱۳۰ میلیون نفر را بکشند تا یک حکومت سوسیالیستی را برپا کنند. بعلاوه در ماه اوت سال ۲۰۲۱، قتل‌عام‌ها در افغانستان آغاز شد... (و همچنان ادامه دارد).

کارل مارکس هشدار داد:



«کمونیست‌ها در همه جا از هر جنبش انقلابی، علیه نظم اجتماعی و سیاسی موجود حمایت می‌کنند... آنها آشکارا اعلام می‌کنند که تنها با سرنگونی اجباری همه شرایط اجتماعی موجود می‌توان به اهداف خودمان دست پیدا کنیم.»

... و رئیس جمهور جورج واشنگتن اعلام کرد:

«من روی پاهایم خواهم مرد... قبل از اینکه روی زانوهایم زندگی کنم.»  
تعریف پارابلوم<sup>۱</sup> عبارت است از:

«اگر دنبال صلح هستی برای جنگ آماده شو.»

ژنرال واشنگتن موافق این تعریف است. او اخطار داد:

«توسط هیچ چیزی به اندازه ای که برای رویارویی با دشمن آماده شده باشد، به صلح نمی‌رسد.»

س: چگونه ما برای رویارویی با دشمن آماده شویم؟

ج: به داستان‌های کسانی که با تماشای مجموعه ویدیوهای مانیفست<sup>۲</sup> سرمایه‌داری تجربه کرده اند گوش دهید.

من این ویدیوهای کوتاه را آماده کردم زیرا می‌دانم آزادی و شهرت من به زودی مورد حمله قرار خواهد گرفت. ممکن است شما هم همین احساس را داشته باشید... که آزادی شما مورد حمله قرار گرفته است. هر یک از ویدیوهای کوتاه یک سلاح دفاعی از دانش است، از افراد

<sup>۱</sup> Parabrillum: در فرهنگ سیاسی به معنی آمادگی برای جنگ است.

<sup>۲</sup> در جای جای این کتاب مانیفیست به اعلامیه ترجمه شده ولی گاهی اوقات این کلمه تأثیر بهتری در درک موضوع دارد.

واقعی که در کشورشان، در جنگ و در ایالات متحده آمریکا با کمونیست‌های واقعی جنگیده‌اند. شما می‌دانید که ما مورد حمله قرار گرفته ایم. آزادی‌های ما دزدیده می‌شود. مردم مجبورند واکسن بزنند، ماسک بزنند یا شغل خود را از دست بدهند. رئیس‌جمهور ما سانسور شده است. اخبار ما مغرضانه است. بودجه پلیس کم شده است. انتخابات به خطر افتاده است. مرزهای ما مورد تهاجم قرار گرفته است. شهرهای ما غارت و سوزانده شده‌اند. کلاس‌های کودکان ما، اردوگاه‌های تلقین با والدینی است که سیستمی را به چالش می‌کشند که «تروریست‌های داخلی» نام دارد. آمریکا در حال ورد به جنگ‌هایی است که ما هرگز نباید وارد می‌شدیم. سلاح‌های ما به دست دشمنان ما، دشمنانی که از ما، دوستان و متحدان ما متنفرند، افتاده است.

### سال‌هاست که به ما هشدار داده شده است

یکی دیگر از بزرگترین روسای جمهور آمریکا، آبراهام لینکلن است که در جنگ داخلی جنگید تا آمریکا را متحد نگه دارد، گفت: «پدران ما در این قاره، ملت جدیدی را پدید آوردند که در آزادی به وجود آمدند و جان خود را وقف این گزاره کردند که همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند.»

پرزیدنت جان اف کندی، در سخنرانی افتتاحیه خود در سال ۱۹۶۱، نسل من را به چالش کشید:

---

«نپرس که کشورت چه کاری می‌تواند برای شما انجام دهد، بپرس که شما چه کاری می‌توانید برای کشور خود انجام دهید.»

سخنان کندی الهام‌بخش مادر و پدرم برای پیوستن به سپاه صلح شد. من هم به نیروی دریایی پیوستم.

خانواده ما به طرق مختلف برای آمریکا جنگیدند.

تکرار بیانیه رئیس جمهور جورج واشنگتن:

«من روی پاهایم خواهم مرد... قبل از اینکه روی زانوهایم زندگی کنم.»

---

«یادداشت»

# تعریف آمادگی برای جنگ

## اگر دنبال صلح هستی برای جنگ آماده شو

در این مرحله از زندگیم، در نوشتن این کتاب چیزهای زیادی برای به دست آوردن دارم... اما چیزهای زیادی هم برای از دست دادن دارم. باید از خودم می‌پرسیدم: چرا در جهانی که توسط لیبرال‌های سیلیکون ولی اداره می‌شود، کتاب بنویسم... کسانی که سانسور را توسط کنسل کالچر<sup>1</sup> امروز ترویج می‌کنند؟ چرا در جهانی که توسط افرادی که بسیاری آنها را «نژادپرست» می‌نامند... و از آموزش نظریه نژاد انتقادی حمایت می‌کنند، کتاب بنویسم؟

---

<sup>1</sup> *Cancel Culture* کنسل کالچر بنا بر تعریف ویکی‌پدیا، نوعی مدرن از طرد کردن افراد است که با ایجاد حسی جمعی بین عموم مردم، شرایط را به سمتی می‌برد تا فرد موردنظر از حضور در شبکه‌های اجتماعی و به صورت کلی فضای آنلاین انصراف دهد. و از آنجا که شخص کنسل‌شده از معروفیت برخوردار است پیامدهایی جدی چه در زندگی کاری و چه خصوصی برایش به وجود می‌آید. برای نمونه می‌توان به حذف شدن کوین اسپیسی از تمامی پروژه‌ها و فعالیت‌های در حال اجرایش به دنبال شکایت مردی با اتهام آزار جنسی اشاره کرد. (ادعایی که البته به اثبات نرسید) حذفی که به دنبال حضور پررنگ مردم در فضای مجازی و فشار آوردنشان به رسانه‌ها و ایجاد موجی جریان‌ساز رقم خورد.

چرا باید کتاب بنویسیم، وقتی دکتر سوس<sup>۱</sup> مجرم می‌شود... متهم به آسیب رسان و بی‌احساس بودن در استفاده از تصاویری است که کلیشه‌های نژادی را ترویج می‌کند؟

چرا در دنیایی که رهبران منتخب عملاً هیچ چیز نمی‌گویند و کاری انجام نمی‌دهند کتاب بنویسم... در حالی که معترضان به شورش می‌پردازند، می‌سوزانند و مشاغل شهروندان را غارت می‌کنند، همان افرادی که این رهبران منتخب بی‌ستون قرار است از آنها محافظت کنند؟

چرا در دنیایی که شهروندان خواهان آزادی، بعنوان مجرم محکوم می‌شوند، کتاب بنویسیم و سپس خواستار «کم کردن بودجه پلیس» شوند؟

چرا در دنیایی که می‌توان تاریخ را بازنویسی کرد و مجسمه‌های قهرمانان ملت ما را شکست کتاب نوشت؟ جایی که برخی تاریخ بناهای ملی مانند کوه راشمور<sup>۲</sup> را نژادپرستانه و تفرقه‌انگیز می‌دانند.

چرا در کشوری کتابی بنویسید که رسانه‌ها می‌توانند مردم (از جمله رئیس‌جمهور ایالات متحده) مسخ کنند، تا اگر با افکار یا مواضع آنها موافق نباشند ساکت شوند!

---

<sup>1</sup> Dr. Seuss

<sup>2</sup> یادبود ملی کوه رامور *Mount Rushmore National Memorial* یک پارک و یادبود ملی در ایالت داکوتای جنوبی در ایالات متحده آمریکا است که به خاطر مجسمه‌های حکاکی‌شده ۴ رئیس‌جمهور ایالات متحده مشهور است.

چرا زمانی که مربیان بیشتر نگران ضمائر جنسیتی، کلمات محرک و اتحادیه یک مزیت هستند، کتاب بنویسم تا آموزش واقعی - به ویژه آموزش مالی را ترویج دهم!.

همانطور که گفتم، چیزهای زیادی برای از دست دادن دارم... زیرا پدر پولدار، پدر بی‌پول، یک کتاب پرفروش بین‌المللی برای نزدیک به ربع قرن بوده است و از زمان انتشار آن در سال ۱۹۹۷، دهها میلیون نسخه فروخته است. برای نزدیک به ۲۵ سال، من کتاب‌هایی به ده‌ها زبان منتشر شده و مورد استقبال مردم مشتاق و آزادی‌خواه در سراسر جهان قرار گرفته است.

در سال ۲۰۱۵ ما شروع به کار روی کتاب سوم کردیم که ترامپ اعلام کرد برای ریاست جمهوری ایالات متحده نامزد می‌شود. این کتاب در مورد چیزی است که بسیار مهمتر از اینکه چه کسی رئیس‌جمهور یا چه حزب سیاسی در قدرت است اهمیت دارد.

### به پدرت گوش کن

جورج واشنگتن را به دلیل نقش کلیدی که به عنوان بنیانگذار ایالات متحده داشت، اغلب پدر کشورش می‌نامند. او همچنین رهبری ارتش آمریکا را برای پیروزی بر انگلیسی‌ها، (که در آن زمان یکی از قدرتمندترین ارتشهای جهان بود)، در جنگ انقلابی رهبری کرد. او همچنین رهبری کنوانسیون را بر عهده داشت که قانون اساسی ایالات متحده را قبل از انتخاب شدنش در سال ۱۷۸۹ به عنوان اولین رئیس‌جمهور ایالات متحده نوشت.

واشنگتن پس از دو دوره ریاست جمهوری از سمت خود کناره‌گیری کرد زیرا نمی‌خواست «پادشاه مادام‌العمر آمریکا» شود.

پدر کشورمان به ما هشدار داد:

«اگر آزادی بیان سلب شود، به ظاهر مطیع و سربراه خواهیم بود، اما ممکن است مانند گوسفندی به سلاخی کشیده شویم.»  
بدیهی است که آمریکا به حرف پدر ما گوش نداد.

در سال ۲۰۲۱، آمریکایی‌ها در حال بیدار شدن از این واقعیت هستند که آزادی بیان ما به سرقت رفته است. به جای آن، «صحت سیاسی»، ضمائر جنسیتی، بازنویسی کردن تاریخ، توهین به مجسمه‌ها، نظارت و سانسور رسانه‌های اجتماعی، و نژادپرستانی که در مدارس ما نژادپرستی را آموزش می‌دهند، داریم.

پدر کشورمان نیز هشدار داد:

«انعقاد بدهی‌های جدید راهی برای پرداخت بدهی‌های قدیمی نیست.»

در سال ۲۰۲۱، آمریکایی‌ها با این واقعیت بیدار می‌شوند که رهبران ما برای پرداخت بدهی‌های ما، پول قرض می‌کنند.

باز هم آمریکایی‌ها به حرف پدر ما، جورج واشنگتن گوش ندادند.

جورج واشنگتن نسبت به بانک فدرال رزرو، یک «بانک مرکزی» هشدار داد.

پول کاغذی در دولت شما تأثیری داشته است که همیشه خواهد داشت، تجارت را خراب می‌کند، صادقان را سرکوب می‌کند و درها را به روی هر گونه تقلب و بی‌عدالتی باز می‌کند.



در سال ۲۰۲۱ آمریکا یکی از بزرگترین کشورهای بدهکار در تاریخ جهان است که توسط یک بانک مرکزی فاسد به نام فدرال رزرو اداره می‌شود. فدرال رزرو اصلاً فدرال نیست، بانک نیست و ذخایری ندارد. در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۱، آسوشیتدپرس گزارش داد: «در یک لحظه نادر از مناقشات اخلاقی برای فدرال رزرو، دو مقام ارشد روز دوشنبه در پی افشاگری در مورد معاملات مالی آنها که کاستی‌های احتمالی در قوانین فدرال رزرو در مورد سرمایه‌گذاری را آشکار می‌کرد، استعفا دادند.»

### چشم انداز ۲۰/۲۰

هم فدرال رزرو و هم دولت ایالات متحده متعهد شدند که در سال ۲۰۲۰ بیش از ۱۰٫۵ تریلیون دلار از طریق برنامه‌های محرک مختلف چاپ کنند تا رکود اقتصادی جهانی ناشی از قرنطینه و ویروس کووید را جبران کنند. این مبلغ (۱۰ تریلیون دلار) تقریباً معادل ۲۷ میلیارد دلار در واقعیت است.

در ۲۲ می ۲۰۲۱، فین‌تک<sup>۱</sup> نیوز و تک‌استارت‌آپ‌ها گزارش دادند: «۴۰ درصد از کل دلارهای موجود آمریکا در ۱۲ ماه گذشته چاپ شده است: آیا آمریکا همان اشتباه سال ۱۹۲۱ و ایماز آلمان<sup>۲</sup> را تکرار می‌کند؟»

<sup>۱</sup> Fin Tech News  
<sup>۲</sup> TechDartups

<sup>۳</sup> یکی از بدترین ابرتورم‌های تاریخ جهان مربوط به آخرین روزهای جمهوری وایمار آلمان بود که منجر به دوبرابر شدن قیمت‌ها در هر ۴ روز یکبار شد.

در سال ۱۹۳۳ آدولف هیتلر به قدرت رسید. او به دلیل تورم شدید در آلمان به قدرت رسید. ابر تورم آن کشور ناشی از چاپ پول جمهوری وایمار برای پرداخت قبوض و غرامتهای جنگ جهانی اول بود. در ۵ آوریل ۲۰۱۹، کامالا هریس<sup>۱</sup>، رقیب دموکرات ریاست جمهوری ایالات متحده، به فعالان سیاهپوست در کنفرانس شبکه اقدام ملی کشیش الشارپتون در نیویورک گفت: «وقتی من به عنوان رئیس جمهور انتخاب شدم...» او لایحه‌ای را امضا خواهد کرد که از مطالبه غرامت برای فرزندان بردگان حمایت می‌کند.

فلاش بک (بازگشت) به ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳: هیتلر توسط رئیس جمهور پل فون هیندنبورگ به عنوان صدراعظم آلمان منصوب شد. هیندنبورگ این انتصاب را در تلاشی برای نگه داشتن هیتلر و حزب نازی «در کنترل» انجام داد، با این حال، این تصمیم نتایج فاجعه باری برای آلمان و کل قاره اروپا رقم زد.

در یکسال و هفت ماه پس از آن، هیتلر توانست از مرگ هیندنبورگ سوء استفاده کند و مناصب صدراعظمی و رئیس جمهوری را در مقام پیشوا، رهبر عالی آلمان ترکیب کند. سپس جنگ جهانی دوم آغاز شد و میلیون‌ها نفر کشته شدند.

در سال ۲۰۲۱، بدهی آمریکا نسبت به تولید ناخالص داخلی بیش از ۱۴۰ درصد بود (امروز در حال رشد است). این بدان معناست که به ازای هر

---

*Kamela Harris*<sup>1</sup>

دلار چاپ شده، بدهی ملی ما افزایش می‌یابد؛ اما اقتصاد ما رشد نمی‌کند.

جورج واشنگتن، یکی از بنیانگذاران ما، هشدار داد:

«آخرین اقدام رسمی هر دولتی غارت بیت المال است.»

آمریکا که زمانی ثروتمندترین کشور جهان بود، اما امروز در حال چاپ و خرج کردن پولهای جعلی در مسیر ورشکستگی است. همانطور که دانایی یک بار گفت:

«وقتی به یک معتاد به هروئین پول می‌دهید، آنوقت پول معتاد را می‌کشند. نه هروئین.»

### پدر پولدار پدر بی‌پول

من مکرراً در ۲۵ سال گذشته از مردم سراسر جهان پرسیده‌ام که:

مدرسه در مورد پول چه چیزی به شما آموخت؟

جواب؟ خیلی کم تا هیچ. با این حال روزی نیست که پول نقش مهمی در زندگی ما نداشته باشد. این در هر بخش از جهان و در هر جمعیتی صادق است.

سوال دیگری که بارها از خودم پرسیده‌ام: آیا این ناتوانی در آموزش پول به ما، فقط یک تصادف است... یا این یک غفلت عمدی است که با یک دستور کار مرتبط است؟

هر کس مرا می‌شناسد نظر من را در این مورد می‌داند: حذف آموزش مالی در مدارس ما اصلاً تصادفی نیست. کاملاً عمدی است.

در سال ۱۹۹۷، کتاب پدر پولدار پدر بی‌پول را منتشر کردم. این کتاب با هزینه شخصی خودم منتشر شد، زیرا به هر ناشری در نیویورک که ما آن را پیشنهاد می‌کردیم آنرا رد می‌کرد. حتی چند توصیه هم به نامه رد با این مضمون پیوست می‌کردند: «تو حتی نمی‌دانی در مورد چه چیزی صحبت می‌کنی.»

ناشران به سه نکته اصلی دروس پدر پولدار اعتراض کردند. که اینها بودند:

۱. ثروتمندان برای پول کار نمی‌کنند.

۲. خانه شما دارایی نیست.

۳. پس انداز کنندگان بازنده زندگی هستند.

بدیهی است که ناشران نیویورک پدرانی مانند پدر پولدار من نداشتند.

بدیهی است که بیشتر آنها پدرانی مانند پدر بی‌پول من داشتند.

بدیهی است که ناشران نیویورکی به توصیه پدر بی‌پول من عمل می‌کردند: «به مدرسه برو، شغلی پیدا کن، سخت کار کن، مالیات بپرداز، پول پس انداز کن، از بدهی خارج شو، خانه بخر و برای مدت طولانی در سهام سرمایه گذاری کن.»

من به حرف پدر بی‌پول گوش نکردم بلکه به حرف پدر پولدارم گوش دادم و راهی را رفتم که کمتر سفر کرده بود. که البته بدون چالش هم نبود.

من و کیم در سال ۱۹۸۶ با هم ازدواج کردیم. ده سال بعد، تا سال ۱۹۹۶، از نظر مالی آزاد بودیم. ما به آزادی مالی بدون تکیه بر شغل،

ارث، یا کمکهای دولتی دست یافتیم. ضمناً ما در قرعه‌کشی هم برنده نشدیم و در بورس سرمایه‌گذاری نکردیم. ما با گوش دادن به توصیه‌های پدر پولدار، نه پدر بی‌پول، به آزادی مالی رسیدیم. در سال ۱۹۹۶، زمانی که نتوانستیم توضیح دهیم که چگونه به آزادی مالی دست یافته‌ایم، من و کیم بازی رومیزی «گردش مالی» خود را که یک ابزار سرمایه‌داری بود، ابداع کردیم. این بازی تلاشی برای توضیح آموزش مالی واقعی (سرمایه‌داری واقعی) مانند تلاش برای آموزش بازی گلف، بدون چوب گلف، توپ گلف، یا زمین گلف است. ابداع بازی رومیزی «گردش مالی» در سال ۱۹۹۶، شروع اعلامیه سرمایه‌داری ما بود که به شرح زیر است: «چگونه با آموزش سرمایه‌داری در خانه‌هایمان با کمونیسم مقابله کنیم.»

در سال ۱۹۹۶، چند نفر تلاش کردند تا بازی ما را وارد مدارس کنند. من و کیم پیشنهاد دادیم هزار بازی رومیزی را به سیستم مدرسه آریزونا اهدا کنیم. که پیشنهاد ما رد شد.<sup>۱</sup> دوستی که با یک گروه زنان درهاروارد تماس داشت، تلاش کرد تا گروه را وادار به بررسی این بازی کند. پاسخ آنها: «زنان بازی نمی‌کنند.»

<sup>۱</sup> برای نمونه ما هم در ایران پیشنهاد برگزاری بازی گردش مالی را برای مدارس و درخواست کنندگان وام بانکی رایگان و یا با حداقل هزینه دادیم که استقبال نشد!

مشکل ما این بود که نمی‌دانستیم چگونه بازی خود را بفروشیم. چون تولید آن پیچیده و گران بود. نمی‌دانستیم چگونه بازیها را وارد خانه کنیم. بنابراین، من یک «بروشور» نوشتم، یک «کتاب کوچک» برای توضیح فلسفه سرمایه‌داری و پیدایش این بازی. آن بروشور... تبدیل به کتاب پدر پولدار پدر بی‌پول شد.

در سال ۱۹۹۷، من و کیم ۱۰۰۰ نسخه از پدر پولدار پدر بی‌پول را منتشر کردیم، بدون اینکه بدانیم آیا کتاب به فروش خواهد رسید یا خیر. اگر کتاب فروخته نمی‌شد، می‌دانستیم که برای سال‌ها به کاغذ برای آتش‌بازی نیاز خواهیم داشت.

امروز، در آستانه بیست و پنجمین سالگرد انتشار کتاب پدر پولدار، پدر بی‌پول، کتاب ما همچنان یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های بین‌المللی است و رتبه اول کتاب مالی شخصی در تاریخ را دارد.

وقتی کتاب پدر پولدار پدر بی‌پول برای اولین بار در فهرست پرفروش‌های نیویورک تایمز قرار گرفت، به خاطر اینکه پدر فقیرم را «بی‌پول» خطاب می‌کردم مورد سرزنش قرار گرفتم. در حالیکه، پدر بی‌پول من مردی با تحصیلات عالی و بسیار باهوش بود. او شوهر، پدر و کارمند دولتی نمونه بود... مردی که زمانی به عنوان سرپرست آموزش در ایالت‌هاوایی خدمت می‌کرد. پدر بی‌پول در عرض دو سال از دانشگاه‌هاوایی فارغ‌التحصیل شده بود و تحصیلات تکمیلی را در دانشگاه استنفورد، دانشگاه شیکاگو و دانشگاه نورث وسترن ادامه داد.

در سال ۱۹۷۰، این مرد صادق که از فسادی که به عنوان یکی از اعضای کارکنان فرماندارهاوایی پیدا کرده بود خسته شده بود، بنابراین

برای فرمانداری به عنوان یک جمهوری خواه نامزد شد، در مقابل رئیسش، فرماندارهاوایی، که یک دموکرات بود.

پس از شکست در انتخابات، فرماندار، پدرم را از هر گونه استخدام در دولت ایالتیهاوایی «در لیست سیاه» قرار داد. پدر بی پول من که نتوانست شغلی پیدا کند، متوجه شد که او واقعاً چقدر فقیر است و در نهایت بعنوان یک مرد فقیر هم مرد.

در سال ۱۹۹۱، درست قبل از مرگ پدرم، به خاطر فداکاری اش در آموزش و پرورش، دکترای افتخاری را از سوی همسالانش، معلمان مدرسه، دریافت کرد. یادم می‌آید که پدرم اشک می‌ریخت و می‌گفت: «هنوز من را فراموش نکردند».

در سال ۱۹۶۹، پس از فارغ التحصیلی از آکادمی دریایی تجاری ایالات متحده در کینگز پوینت، به نیروی تفنگداران دریایی ایالات متحده پیوستم و به مدرسه پرواز نیروی دریایی ایالات متحده در پنساکولا، فلوریدا رفتم. پس از دریافت آموزش، یک سال را در مدرسه سلاح‌های پیشرفته گذراندم و در کمپ پندلتون، کالیفرنیا پرواز کردم.

در سال ۱۹۷۲، من در یک ناو هواپیمابر بودم که در سواحل ویتنام با هلی‌کوپتر پرواز می‌کردم.

در ژانویه ۱۹۷۳، از ویتنام برگشتم، دیدم پدرم در خانه تنها نشسته و بی‌کار است. وقتی از او پرسیدم «وقتی قراردادام با تفنگداران دریایی در سال ۱۹۷۴ تمام شد، چه کار کنم» توصیه پدرانه او این بود:

«به دانشگاه برگرد، مدرک کارشناسی ارشد خود را بگیر، احتمالاً دکترا خود را دریافت کن، در خطوط هوایی شغلی پیدا کرده، سخت کار کنی،

مالیات بپردازید، پس انداز کنید، از بدهی خارج شوید، خانه بخرید، و برای بلندمدت سرمایه‌گذاری کنید مثلاً در بازار سهام.» همانطور که به نصیحت او گوش دادم، متوجه شدم که او همان نصیحتی را به من می‌دهد که خودش دنبال کرده بود... و این نصیحت بود که او را به خاک سیاه نشانده است.

در ژانویه ۱۹۷۳، خانه پدر بی‌پول را ترک کردم و به دفتر پدر پولدار در وایکیکی رفتم. برای دریافت نصیحت پدرانۀ نزد پدر پولدار رفتم. نصیحت پدر پولدار طرف مقابل نصیحت پدر بی‌پول من بود. توصیه پدر پولدار این بود:

«یک شغل را انتخاب کن که فروش را یاد بگیری؛ سرمایه‌گذاری در املاک را یاد بگیر، یاد بگیرد که از بدهی به عنوان اهرم استفاده کنی؛ به طور قانونی یاد بگیرد که میلیون‌ها دلار درآمد داشته باشی و مالیات کمی بپردازد؛ حقوق بگیر نشو؛ کارآفرین بودن را بیاموز تا بتوانی برای صدها نفر شغل ایجاد کنی.»

در ژوئن ۱۹۷۴، در سن ۲۷ سالگی، آخرین سلام نظامی خود را به گارد تفنگداران دریایی هنگام عبور از دروازه‌ها و خارج شدن از ایستگاه هوایی تفنگداران دریایی در خلیج Kaneohe، هاوایی، دادم. در ژوئن ۱۹۷۴، من به حرف پدر بی‌پول گوش نکردم، بلکه به توصیه‌های پدر پولدار گوش دادم.



## اعلامیه سرمایه‌داری

در سال ۱۹۹۷، پس از انتشار کتاب «پدر پولدار پدر بی‌پول»، من شروع به دریافت نامه‌های نفرت‌انگیز به خاطر خطاب به پدر فقیرم «بی‌پول» کردم. امروز هم، پس از انتشار کتاب اعلامیه سرمایه‌داری، می‌دانم که رسانه‌های اجتماعی سوسیالیست، نخبگان دانشگاهی لیبرال و فرهنگ لغو «ووک»<sup>۱</sup> به دلیل اینکه پدر بی‌پول‌ها را سوسیالیست، مارکسیست و کمونیست خطاب کرده‌ام مورد حمله، تحقیر و لغو قرار خواهم گرفت. همانطور که جورج واشنگتن هشدار داد:

«ما باید خطری را که ذهن‌های پرشور و مستعد حضور دارند، از این که خیلی قوی و خیلی زود به نفع سایر نظام‌های سیاسی مستقر می‌شوند، پیش از آنکه بتوانند از خود قدردانی کنند، نادیده بگیریم.»  
اگر این فلسفه‌های اقتصادی/اجتماعی مورد مطالعه قرار نگیرند، چگونه می‌توان تفاوت‌های بین یک سرمایه‌دار، سوسیالیست، فاشیست، مارکسیست یا کمونیست را بدانند؟

در سال ۲۰۲۱، میلیون‌ها والدین «بیدار» شدند و متوجه شدند که مدارس ما نظریه نژاد انتقادی را آموزش می‌دهند، مشتق شده از جنبش BLM<sup>۲</sup>،

<sup>۱</sup> *Woke* به عنوان یک اصطلاح سیاسی با منشأ آفریقایی-آمریکایی اشاره به آگاهی نسبت به مسائل مربوط به عدالت اجتماعی و عدالت نژادی دارد. این لفظ برگرفته از اصطلاح انگلیسی سیاه‌پوستان آمریکایی "stay woke" به معنای "بیدار ماندن" است که جنبه دستوری آن اشاره به آگاهی مستمر درباره این موضوعات دارد.

<sup>۲</sup> *Black Lives*: یک جنبش اجتماعی بین‌المللی است که از جامعه سیاه‌پوستان آمریکا آغاز شد و به ظاهر برای مقابله با خشونت و نژادپرستی علیه سیاه‌پوستان فعالیت می‌کند.

مشتق شده از آموزش پست مدرنیستی است. (همه مشتقات مارکسیسم).

در ۲ نوامبر ۲۰۲۱، جمهوری خواهان در یک پیروزی ناراحت کننده، فرماندار ویرجینیا، ستوان فرماندار و انتخاب دادستان کل را شکست دادند. موضوع سیاسی نبود. موضوع آموزش بود. والدین با آنچه در مدارس به فرزندان‌شان آموزش داده می‌شود بیدار شدند... و آنها با استفاده از رأی خود به عنوان صدای خود، حرف زدند.

همانطور که جورج واشنگتن هشدار داد، در سال ۲۰۲۱ والدین متوجه شدند که مدارس ما سوسیالیسم مارکسیستی، فاشیسم، کمونیسم و نژادپرستی را (بدون آموزش سرمایه‌داری) آموزش و ترویج می‌دهند.

همانطور که بارها من این سؤال را مطرح کرده‌ام:

«مدرسه در مورد پول به شما چه آموخت؟»

اگر کسی پول را درک نکرده باشد، چگونه می‌تواند تفاوت بین کمونیست‌ها و سرمایه‌داران را بداند؟

اعلامیه کمونیست درباره انقلاب است. این انقلاب با افزایش بیش از حد شکاف بین فقیر و غنی آغاز شد.

در سال ۲۰۲۱، مردم از شکاف وحشتناک بین غنی و فقیر آگاه بودند. دولت ما به جای رفع شکاف با «آموزش ماهیگیری به مردم»، دولت، رفاه آمریکایی را با «دادن ماهی» به مردم گسترش می‌دهد و به آنها می‌گوید «محق هستند».

این کتاب، اعلامیه سرمایه‌داری، درباره آموزش است... در مورد چگونگی آموزش ماهیگیری به مردم و آموزش سرمایه‌داری در خانه‌هایمان، در حالی که کمونیسم در مدارس ما تدریس می‌شود. من در سال ۱۹۶۵ از دبیرستان فارغ التحصیل شدم و هواپیما را ترک کردم تا در آکادمی دریایی تجاری ایالات متحده شرکت کنم. کینگز پوینت یکی از پنج آکادمی فدرال است که عبارتند از:

آکادمی نظامی ایالات متحده	وست پوینت، نیویورک
آکادمی نیروی دریایی ایالات متحده	آناپولیس، مریلند
آکادمی نیروی هوایی ایالات متحده	کلرادو اسپرینگز، کلرادو
آکادمی گارد ساحلی ایالات متحده	لندن جدید، کانکتیکات
آکادمی دریایی تجاری ایالات متحده	کینگز پوینت، نیویورک

پذیرش در این آکادمی‌های فدرال مستلزم داشتن توصیه نامه از جانب یکی از نمایندگان یا سناتورهای ایالات متحده، یا معاون رئیس جمهور یا رئیس جمهور ایالات متحده است.

من توصیه‌نامه خود را برای آکادمی نیروی دریایی ایالات متحده و آکادمی دریایی تجاری ایالات متحده، از سناتور ایالات متحده، دانیل کی. اینوی، یک سرباز بسیار برجسته در طول جنگ جهانی دوم دریافت کردم.

### اعلامیه کمونیست مارکس

در سال ۱۹۶۵، در طول سال اول تحصیلی «پلبه»<sup>۱</sup>، معلم انگلیسی/اقتصاد من از کلاس ما خواست که اعلامیه کمونیست کارل مارکس و سرمایه، کتاب نبرد من هیتلر، و کتاب قرمز کوچک مائو را بخوانیم.

بدیهی است که برنامه درسی در یک آکادمی نظامی با دانشگاه معمولی و آکادمیک متفاوت است، جایی که نظریه نژاد انتقادی مارکس مهمتر از آموزش مالی است.

در سال ۱۹۶۵، وقتی آثار مارکس، هیتلر و مائو را می‌خواندم، و درباره‌اش مطالعه و بحث می‌کردم، متوجه شدم که پدر بی‌پول من یک کمونیست و پدر ثروتمندم یک سرمایه‌دار بوده است.

تا زمانی که هوایی را ترک کردم و در یک آکادمی نظامی در نیویورک شرکت کردم (با مطالعه مارکس، هیتلر، استالین، لنین و مائو) بهتر متوجه خصومت و تنش بین پدر پولدار شدم، (نابغه مالی که هرگز دبیرستان را تمام نکرد) و پدر بی‌پول من، یک نابغه دانشگاهی که در مدرسه پیشرفت کرد و نهایتاً به سمت سرپرست آموزش و پرورش ایالت‌هاوایی ارتقا یافت، است.

تا اینکه در سال ۱۹۷۲، زمانی که به عنوان خلبان تفنگداران دریایی در ویتنام پرواز می‌کردم، متوجه شدم که هشدارهای مارکس، هیتلر و مائو در زندگی واقعی محقق می‌شوند. دیدن وضعیت ویتنامی شمالی نسبت

<sup>۱</sup> Plebe: اصطلاحی برای دانشجویان سال اول نیروی دریایی

به ویتنام جنوبی و اینکه ما نتوانستیم جلوی آنها را بگیریم باعث ناراحتی من شد. دیدن قلعه‌های زیبای فرانسوی در ریویرای هندوچینی فرانسه که بمباران شده و متروک شده بودند، مرا غمگین کرد. در سال ۲۰۲۰، هنگامی که از کنار یک فروشگاه بسته شده پولو رالف لورن در نزدیکی خانه‌ام در فینیکس، آریزونا رد شدم، متوجه شدم درس‌هایی که در آکادمی و در حین پرواز در ویتنام آموختم، در آمریکا محقق می‌شوند.

آیا سخنان جورج واشنگتن امروز حتی بیشتر درست است؟ «اجازه دهید از شما بپرسم، آقا، چه زمانی باید مردان شجاع در راه آزادی و کشور خود تلاش کنند؟»

### تولد تفنگداران دریایی

۱۰ نوامبر ۱۷۷۵ روز تولد رسمی تفنگداران دریایی ایالات متحده است. در ۱۱ ژوئن ۲۰۲۱، با هم اتاقی و خلبانم در ناو هواپیمابر در ویتنام تماس گرفتم. در سال ۱۹۷۲، ما هر دو ستوان نیروی دریایی بودیم. ستوان جک برگمن به ژنرال جک برگمن تبدیل شد و من به عنوان ستوان اول سپاه تفنگداران دریایی را ترک کردم. من هرگز به عنوان کاپیتانی ارتقا پیدا نکردم.

امروز ژنرال جک برگمن نماینده کنگره از میشیگان است. با دوستم تماس گرفتم و به او اطلاع دادم که دارم کتاب جدیدی منتشر می‌کنم (همین کتاب، الامیه سرمایه‌داری). من با حضور در مراسم ۱۰ نوامبر ۲۰۲۱، روز تولد تفنگداران دریایی، از او حمایت خواستم.

من به سادگی از دوستم پرسیدم: «آیا وقت آن رسیده که دوباره برای آزادی بجنگم؟»

پاسخ جک این بود: Semper fi.

Semper fi به معنای «همیشه وفادار» است.

همانطور که جورج واشنگتن، پدر کشورمان، پرسید: «اجازه دهید از شما بپرسم، آقا، چه زمانی باید مردان شجاع در راه آزادی و کشور خود تلاش کنند؟»

یک بار دیگر دوستم ژنرال و برگمن نماینده کنگره گفتند: «بله»، من از ۱۱ ژوئن ۲۰۲۱ تا ۱۰ نوامبر ۲۰۲۱ فرصت داشتم تا این کتاب را بنویسم (و در برخی موارد بازنویسی کنم).

رونمایی رسمی این کتاب در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۱، مصادف با دویست و چهل و ششمین زادروز تفنگداران دریایی بود. در جشن تولد ۲۴۶ سالگی همه درجه‌داران و تفنگداران دریایی و همسران، از جمله یک ژنرال ۳ ستاره و یک ژنرال دریایی ۴ ستاره حضور داشتند.

من تولد تفنگداران دریایی را انتخاب کردم زیرا این کتاب را می‌شناسم و اینکه مورد حمله قرار خواهم گرفت. رسانه‌های سوسیالیستی و ضداجتماعی از من انتقاد می‌کنند، چون مورد تحقیر قرار می‌گیرند و رد می‌شوند. چپ لیبرال به من حمله خواهد کرد که افراد با تحصیلات عالی، مانند پدر بی‌پول را مارکسیست خطاب می‌کنم.

متأسفانه، بیشتر مردم کتابهای نوشته شده توسط مارکس، هیتلر یا مائو را نخوانده‌اند، پس چگونه می‌توانند تفاوت‌های بین سرمایه‌داری و کمونیسم را بدانند؟